پژوهشنامهٔ نقد ادبی و بلاغت، سال ۷، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
(از ۱ تا ص ۱۸)

نقش خطاب در رباعی‌های افضل‌الدین کاشانی

رضا خبازها[۱]
دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فرهاد درودگریان
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۲/۳۱)

چکیده

مخاطب ساختن خویشتن، غیرانسان‌ها، خدا، پیامبر، معشوق، مخالف، خواننده و جز ایشان و نیز مخاطب ساختن انسان‌ها از قول آفریدگار، آغازگر بیش از نیمی از رباعی‌های منسوب به بابا افضل کاشانی است که در رباعی‌سرایی در میان شعرای فارسی‌زبان، مقامی والایی دارد. گاهی نیز در اثنای سروده به مخاطب التفات می‌شود. از این‌ها گذشته، شاعر برای بیان مقصود خویش از امر، نهی و خبر دادن به مخاطب همراه با تحریض، تحذیر، ملامت و جز آن استفاده می‌کند. مقالهٔ حاضر می‌کوشد آنچه مورد خطاب گوینده قرار می‌گیرد، مواقع، اَشکال، اغراض خطاب و فواید آن را در اشعار بابا افضل کاشانی با ارائهٔ آمار دقیق نشان دهد و رباعیات وی را از جهات گوناگون با رباعی‌های خاقانی و ظهیر، از استادان معاصرش، و عبدالرّحمان جامی، از بزرگان رباعی‌سرایی مقایسه کند تا آشکار شود که گاهی هنر وی در هنری‌ترین جنبه‌های بهره‌گیری از اسلوب خطابی بر آنان می‌چربد. همچنین، به نقش معلمی سراینده بر نفوذ عمیق این شیوه در شعرش و تأثیر این ویژگی سبکی برجسته در شیوع رباعیات افضل اشاره خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: خطاب، افضل‌الدین کاشانی، رباعی، آرایه، تعلیم، علم معانی، التفات.

---

۱. رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول: reza.khabaz@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

۱. مقدمه

افضل‌الدّین محمد مرقی کاشانی، متخلص به «افضل»، بزرگترین فیلسوف عصر خویش (ر.ک؛ صفا، ۱۳۶۶: ۲۵۰/۳) و ادیبی توانمند است که در سال ۶۰۶ یا ۶۰۷ هجری قمری درگذشته است (ر.ک؛ زریاب خویی، ۱۳۷۵: ۲۱ـ۲۲؛ مدرس رضوی، ۱۳۳۴: ۱۱۷ــ۱۱۹ و نجم رازی، ۱۳۷۳: ۵۵۲ـ۵۵۳). اهمیت وی در ادبیات فارسی یکی از لحاظ نگاشتن رسائل فلسفی به زبان فارسی ساده و روان و نیز یافتن معادل‌های مناسب فارسی برای اصطلاحات فلسفی (ر.ک؛ بهار، ۱۳۸۱: ۱۶۲/۳؛ افضل، ۱۳۱۱: ۳۸ و صفا، ۱۳۶۶: ۱۱۸۷/۳) و دیگر از لحاظ شاعری، به‌ویژه سرودن رباعی‌های پرمغز زیبایی است که به قول نفیسی، همواره مورد توجه و اقبال عموم بوده‌است (ر.ک؛ افضل، ۱۳۱۱: ۴۵ـ۴۶) و وی را در زمرهٔ بزرگترین رباعی‌سرایان تاریخ ادب فارسی قرار داده‌است.

در نوشتهٔ حاضر، پس از شرح مختصری دربارهٔ رباعی و زمینه‌های سرایش آن، به بررسی عوامل به‌کارگیری خطاب، و اشکال و قوالب استفاده از آن در رباعی‌های افضل پرداخته می‌شود. سپس هر یک از اشکال خطاب و نیز مفاهیم و اغراض آن‌ها بر اساس اشخاص مورد خطاب، بررسی آماری و دقیقی ارائه می‌شود. آنگاه به خطاب‌هایی پرداخته می‌شود که از زبان دیگران صورت گرفته‌است و در پایان، نگاهی نیز به التفات در رباعی‌های خطابی افضل خواهد شد.

همچنین، برای روشن‌تر شدن جایگاه واقعی افضل در استفاده از مخاطبه در رباعی، تعداد، نسبت و موضوعات رباعی‌های خطابی و بعضی از جنبه‌های هنری مخاطبه در رباعی‌های وی (مثل: ندای همراه با تشخیص، خطاب‌النّفس، قسم دادن، خطاب از زبان دیگران، نقل قول داستانی و التفات)، با دو تن از شاعران بزرگ هم‌عصرش، یعنی خاقانی (د. ۵۹۵ ق.) و ظهیر فاریابی (د. ۵۹۸ ق.) و نیز یکی دیگر از بزرگترین رباعی‌سرایان، عبدالرّحمان جامی (د. ۸۹۸ ق.) که از نظر اندیشه و جایگاه اجتماعی بدو بی‌شباهت نیست، مقایسه خواهد شد (علل گزینش سرایندگان نامبرده برای این مقایسه نیز در بخش عوامل استفاده از خطاب ذکر می‌شود).

مقصود از «خطاب» در نوشتهٔ حاضر، به‌کار بردن ندا یا فعل و ضمیر مخاطب، و مقصود از «رباعی خطابی»، رباعی‌هایی است که در آن‌ها ندایی صورت گرفته یا فعل و ضمیر مخاطب به‌کار رفته‌است و پیداست که در همهٔ این موارد، آشکارا روی سخن گوینده با مخاطبی است.

Archive of SID

www.SID.ir

۲. رباعی و عوامل به‌کارگیری آن

«رباعی» یا «چهارگانی» عبارت از دو بیت است که مصراع‌های اول، دوم و چهارم آن هم‌قافیه باشد و بر وزن «مفعول مفاعلن مفاعیلن فاع/فع» (بر وزن: لاَ حَوْلَ وَ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّه) باشد. یادآوری می‌شود که رعایت قافیه در مصراع سوم اختیاری است (ر.ک؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۴۶). این قالب از اختراعات فارسی‌زبانان است که در زبان عربی نیز مورد اقبال فراوان واقع شده‌است (ر.ک؛ قیس رازی، ۱۳۶۰: ۱۱۲ـ۱۱۵؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۴۶۷ـ۴۷۷؛ شمیسا، ۱۳۶۳: ۳۷ و همایی، ۱۳۷۰: ۵۲). همچنین، از نخستین قالب‌هایی است که در شعر فارسی استفاده شده‌است و بزرگانی چون رودکی، شهید بلخی و طاهربن فضل رباعی‌های بسیار پخته و عمیق ساخته‌اند. در دورهٔ غزنوی، رباعی‌سازی برای بیان تمام معانی شعری به‌کار می‌رفت، اما تحول عمده در رباعی فارسی و تکامل و اوج آن با ورود اندیشه‌های عمیق فلسفی در آن به دست خیام نیشابوری (د. ۵۱۷ ق.) اتفاق افتاد (ر.ک؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۴۷). کوتاهی و ایجاز رباعی باعث شده‌است بتواند در همهٔ انواع ادبی و برای بیان مفاهیم گوناگون استفاده شود. همین امر آن را برای بازگویی نتایج تفکرات فلسفی و نیز پند و حکمت آماده ساخته، موجب شده‌است دانشمندانی نظیر خیام و افضل‌الدّین کاشانی که شاعری اشتغال اصلی فکری آن‌ها نبوده، آن را برای بیان بهتر برخی از اندیشه‌ها و احساسات خویش به‌کار گیرند. این کوتاهی باعث می‌شود هم سرودن آن کمتر از قوالب شعری بلندتر نیازمند صرف وقت و حوصله باشد و هم خواندن و از بر کردن و انتشارش بسیار آسان‌تر انجام پذیرد. نکتهٔ دیگر آنکه اکثر سرایندگان توانای ادب فارسی رباعی را نیز همچون دیگر قالب‌های شعری، محل نمایش توانمندی‌های شاعرانهٔ خویش، به‌ویژه موجزگویی قرار داده‌اند و از ساختارهای منعطف و چندظرفیتی، به‌ویژه خطاب در این راستا بهره برده‌اند.

۳. عوامل بهره‌گیری از خطاب در سروده‌های افضل و دیگران

افضل‌الدّین کاشانی حکیمی اهل تدریس و بحث بوده‌است؛ چنان‌که در رسائل او از شاگردان خویش یاد می‌کند و می‌گوید که برخی از رساله‌هایش را به خواست ایشان به فارسی برگردانده‌است (ر.ک؛ افضل، ۱۳۳۷: ۶۷۱ـ۶۷۲) و کمال‌الدّین محمد حاسب، استاد خواجه نصیرالدین توسی (ر.ک؛ صفا، ۱۳۶۶: ۲۵۰/۳) می‌گوید افضل حکیمی است در الهیات و طبیعیات که حتی در رساله‌های فلسفی خویش «کمتر به طریق استدلال و احتجاج نظر داشته‌است، بلکه توجهش به تعلم و یاد دادن بیشتر بوده‌است» (صفا، ۱۳۶۶: ۲۵۱/۳).

Archive of SID

www.SID.ir

همچنین، «اندیشه‌های حِکمی او از کتاب و رساله تجاوز می‌کند و به تقریرات و نامه‌های او و به اشعارش می‌رسد» (صفا، ۱۳۶۶: ۲۵۰/۳). پس طبیعی است که در رباعی‌هایش نیز آثار اسلوب تعلیمی به‌وضوح نمایان باشد.

سخن گفتن متکلم از خویشتن یا از غایب، روش اصلی ایجاد ارتباط با مخاطب نیست، اگرچه معمولاً چنین سخنانی را هم غیرمستقیم برای مخاطبان می‌گوییم و هدفشان ایجاد ارتباط و انتقال مفاهیم، و نه فقط حدیث نَفْس است. اگر خطاب را قالب ایجاد ارتباط مستقیم بدانیم، اهمیت استفاده از خطاب در رباعی‌های افضل آشکار می‌شود؛ زیرا تدریس نیز نوعی از خطابه است که تفهیم مطالب هدف آن است. همچنین، پیداست که صمیمیت در افزایش تأثیر سخن نقش به‌سزایی دارد و در بیان هر موضوعی صمیمانه‌تر آن است که از اسلوب خطابی استفاده شود، نه آنکه مطالب بدون ارتباط با مخاطب و همراه با ضمایر و افعال غایب بازگو شوند. همچنین، تنها اسلوب خطابی است که می‌توان با آن شخصی را مستقیماً مورد ندا، امر و نهی قرار داد و برای تأکید امر و نهی قَسَم داد. امر و نهی در اشعار تعلیمی و حِکمی جایگاهی ویژه دارد. پس طبیعی است که در رباعیات کسی چون افضل، به‌ویژه رباعیات حِکمی وی، خطاب مقام والایی داشته باشد. در رباعیات افضل چاپ مینوی و مهدوی دامغانی، از ۱۹۵ رباعی، ۱۴۲ مورد (۷۳ درصد)، در چاپ نفیسی، از ۴۸۳ رباعی، ۳۳۹ مورد (۷۰ درصد) و در چاپ فیضی و همکارانش، از ۶۸۹ رباعی (با احتساب ۳ رباعی غیرمکرر در پایان بخش غزل‌ها)، ۴۶۱ مورد (۶۷ درصد) خطابی است. هرچه به رباعیات اصیل نزدیک‌تر شویم، کاربرد اسلوب خطابی بیشتر است.

این ارقام و درصدها زمانی بیشتر جالب توجه خواهند بود که آن‌ها را با نسبت رباعیات خطابی در اشعار جامی مقایسه کنیم؛ زیرا وی هم از لحاظ تدریس و توجه به عرفان، و هم از نظر شاعری و رباعی‌سرایی به افضل شبیه است، بلکه بیش از افضل به تمام این‌ها پرداخته‌است. از بین ۶۹۵ رباعی سرودهٔ جامی در چاپ مدبری که موضوع اصلی آن‌ها عرفان و تلقین مبانی عرفان نظری است، تنها ۳۷۸ رباعی (۵۴/۵ درصد) با خطاب همراه است.

اما بهترین شاهد برای نشان دادن تأثیر انواع ادبی و مفاهیم بر میزان برگزیدن اسلوب خطابی کتاب *نزهة‌المجالس* جمال خلیل شروانی است که مجموعهٔ رباعی‌های سیصد تن از شاعران قرون مختلف و با سبک‌های متفاوت را در بر می‌گیرد. اگر سه گونهٔ عرفانی، نصیحت‌آمیز و عاشقانهٔ آن را با یکدیگر مقایسه کنیم، نتیجه چنین است: در باب توحید و

Archive of SID

www.SID.ir

عرفان (ر.ک؛ شروانی، ۱۳۷۵: ۱۴۱ـ۱۴۷)، از ۴۸ رباعی، ۲۹ مورد (۶۰/۵ درصد) خطابی است. در نمط نصیحت (ر.ک؛ شروانی، ۱۳۷۵ :۱۴۷ــ۱۵۳)، از ۴۵ رباعی، ۴۲ مورد (۹۳/۵ درصد) خطابی است، و در عشق و احوال آن (ر.ک؛ شروانی، ۱۳۷۵: ۲۳۹ـ۲۵۲) شامل ۹۶ رباعی، ۴۷ رباعی (تنها ۴۹ درصد) چنین هستند.

گذشته از ژانر و موضوع رباعیات افضل که در برگزیدن این اسلوب مؤثر بوده، اینکه شاعری برای وی در درجهٔ اول اهمیت نبوده‌است (چنان‌که قصیدهٔ کوتاهی نیز در اعتذار از ضعف طبع خویش و شعر نفرستادن به درگاه یکی از بزرگان سروده است (ر.ک؛ افضل، ۱۳۳۷: ۷۳۵ـ۷۳۶ و همان، ۱۳۵۱: ۲۵۲ـ۲۵۳)، ممکن است این گمان را ایجاد کند که خوگری طبع وی با این یک نوع خاص سخن گفتن باعث شده‌است درصد رباعی‌های خطابی در دیوان وی تا این حد از دیوان جامی بیشتر شود. اما اگر رباعیات خطابی دو شاعر بزرگ معاصر وی نیز شمارش شود، خواهیم دید که از ۲۹۶ رباعی خاقانی چاپ سجادی، ۲۰۷ رباعی (۷۰ درصد) و از ۱۰۰ رباعی ظهیرالدّین فاریابی، در چاپ یزدگردی، ۶۷ مورد (۶۷ درصد) خطابی هستند. حال آنکه رباعی‌های ظهیر اکثراً عاشقانه و مدحی، و رباعیات خاقانی بیشتر عاشقانه و وصف حال است. می‌دانیم که وصف حال معمولاً با ضمایر و افعال متکلم همراه است و باعث تعجب است که در آن از اسلوب خطابی استفاده شود. درست است که یکی از روش‌های وصف حال با اسلوب خطابی، خطاب‌النَّفْس است، اما خاقانی (با آن تعداد رباعی خطابی) تنها در ۲۸ رباعی این آرایه را به‌کار برده‌است.

پس شاید بتوان گفت در انواع ادبی غنایی و درونگرا نیز شاعر استاد از اسلوب خطابی بیشترین بهره را می‌برد؛ زیرا ادبیات ذاتاً برقرارکنندهٔ ارتباط است و خطاب قالب ارتباط، و قوالب و اشکال متنوع خطاب همراه با اغراض زیباشناختی خود، ظرفیت کاربردی فوق‌العاده‌ای دارند. جالب است که همین خطاب‌النَّفْس را افضل بیشتر برای بیان پند و اندرز و یادکرد مسائلی چون ناپایداری زندگی این‌جهانی به‌کار می‌برد (در بحث از امر و نهی خواهید دید). به هر حال، درصد شایستهٔ توجهی از رباعیات خاقانی و ظهیر خطابی هستند و معاصر بودن این دو شاعر بزرگ با افضل نیز انگیزهٔ ما را برای مقایسهٔ ایشان در جنبه‌های هنری‌تر خطاب افزایش می‌دهد. شاعرانی مانند افضل و جامی که شعر تعلیمی، حکمی، عرفانی و فلسفی می‌سرایند، معمولاً از ساخت‌هایی که در شعر خویش به‌کار می‌گیرند، دو نوع کارکرد می‌خواهند: نخست زیبایی‌آفرینی، تا مردم به خواندن اشعارشان راغب شوند و همین امر باعث شده‌است شعر عرفانی ما با اصطلاحات مجلس شرابخواری

Archive of SID

www.SID.ir

و اوصاف معشوق درآمیخته شود، تا جایی که در سبک حافظ و معاصرانش، جدا کردن شعر عاشقانه از عرفانی و تشخیص حقیقی یا رمزی بودن شراب بسیاری از ابیات ناممکن گردد. وجود رباعیات عاشقانهٔ محض در دیوان افضل و جامی نیز به همین سبب و متأثر از سنت ادبی است. دومین کارکردی که چنین اشعاری را به صناعت خطابه نزدیک می‌کند، آن است که خوانندگان را اقناع کنند، افکار و اعتقادات خویش را در ذهن و حتّی‌المقدور دل ایشان جای دهند و آن‌ها را به انجام اعمال مورد نظر خویش وادارند، و چون نظم و شعر (و کلاً هنر) در برانگیختن دل‌ها از خطابه مؤثرتر است، از آن سود می‌جویند.

پیش از پرداختن به اشکال و قوالب خطاب و بررسی آماری آن‌ها، لازم است این نکته ذکر شود که در ارائهٔ این آمارها، از *دیوان افضل‌الدّین محمد مرقی کاشانی (بابا افضل)* چاپ فیضی و همکارانش استفاده کرده‌ایم و در نقل قول از آن دیوان و رباعی‌های جامی و ظهیر که رباعی‌ها در آن‌ها شماره‌گذاری شده‌اند، شمارهٔ رباعی داخل کمان یاد شده‌است تا مراجعه برای خوانندگان آسان‌تر گردد. اگرچه به صحت انتساب اشعاری که مینوی در ضمن *مصنفات* حکیم چاپ کرده، اطمینان کامل است و دربارهٔ رباعیات چاپ نفیسی نیز «در صحت مآخذ تردیدی نیست» (نفیسی، ۱۳۱۱: ۵۲)، اما هدف نوشتهٔ حاضر این بوده‌است که تمام موارد بهره‌گیری افضل از اسلوب خطابی در رباعی را بررسی نماید و بدون استفاده از کامل‌ترین نسخه- هرچند حاوی تعدادی رباعی باشد که به دیگران نیز منسوب شده‌اند- نمی‌توان از این امر مطمئن شد. این روش فایدهٔ کامل‌تر و شامل‌تری دارد و به هر حال، همگی رباعی‌های مورد نظر به سبک سخن‌سرایی و اندیشهٔ وی منسوب هستند، هرچند از وی نباشند؛ چراکه «معمولاً رباعیات کفر و زندقه و حِکمی را به خیام (و بابا افضل) و رباعیات عارفانه و عاشقانه را به ابوسعید (و اوحدالدّین کرمانی) نسبت می‌داده‌اند؛ یعنی خیام و ابوسعید [و دو فرد مذکور دیگر] افراد اجلای دو مکتب اصلی رباعی‌سرایی هستند» (شمیسا، ۱۳۶۳: ۱۶۳ و ر.ک؛ صفا، ۱۳۶۶: ۴۲۷/۳).

۴. اشکال و قوالب خطاب

شکل‌ها و قالب‌هایی که خطاب در آن‌ها جلوه‌گر می‌شود، عبارت است از ندا، امر، نهی، قسم دادن، دعا کردن و استفهام. رباعیات خطابی افضل همگی این موارد را در خود جای داده‌اند و چنان‌که پیش‌تر بیان شد، چهار شکل نخست، خاص اسلوب خطابی هستند. اکنون تذکر نکاتی دربارهٔ هر یک از اشکال یادشده بایسته می‌نماید:

Archive of SID

www.SID.ir

۴ـ۱. ندا

منادا در رباعیات افضل به سه شکل زیر یاد شده‌است:

۱ـ ذکر نام منادا: در نوشته‌های غیرادبی نیز معمولاً از این روش استفاده می‌شود. افضل جمعاً ۶۶ بار و تنها در خطاب به خدا، خویشتن و غیرانسان‌ها از این روش بهره برده‌است. دو روشی را که پس از این می‌آید، باید اشکال خلاقانه و هنری یادکردِ منادا دانست.

۲ـ ذکر کنایی منادا

آن است که به جای منادا از «کنایه از موصوف» استفاده شود. در این روش، «مکنیٌ‌به [در اینجا: منادا] صفت یا مجموعهٔ چند صفت و یا جمله و عبارتی وصفی (صفت و موصوف، مضاف و مضافٌ‌إلیه) یا بدلی (مضاف و مضافٌ‌إلیه) است که باید از آن متوجه موصوفی شد؛ یعنی به طور خلاصه، وصف و صفتی را می‌گوییم و از آن موصوفی را اراده می‌کنیم» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۶)؛ مانند: «ای ذات تو آیینهٔ بینایی ما!» (رباعی ۴)، به جای «ای انسان!». از این آرایه در علم بدیع نیز با عنوان «ارداف» سخن گفته‌اند (ر.ک؛ گرکانی، ۱۳۸۲: ۳۹). این روش در خطاب به غیرانسان‌ها استفاده نشده‌است و در خطاب‌النَّفْس نیز بسیار کمتر از روش اول مورد استفاده قرار گرفته‌است. اما دیگر مخاطبان بیشتر به همین صورت مورد خطاب قرار گرفته‌اند. افضل از این گونه ندا جمعاً ۹۳ بار بهره برده‌است.

۳ـ ذکر استعارهٔ مصرحه (تحقیقیه) به جای منادا

آن است که چیزی یا کسی را به سبب شباهت آن با دیگری، به جای آن مورد ندا قرار دهند. در رباعیات افضل، تنها چهار بار در خطاب به خواننده («ای طبل بلندبانگ و در باطن هیچ» و «ای ذره که در راه هوا می‌کوشی»، به ترتیب در رباعی‌های ۱۶۱ و ۶۰۹)، خدا («شاها» در رباعی ۳۳۸) و معشوق («جانا» در رباعی ۵۳۸) این روش به‌کار رفته‌است.

ـ خطاب‌النَّفْس

آن است که شاعر خویش را شخص دیگری بپندارد و با این خویشِ دیگرانگاشته سخن بگوید (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۸۰: ۳۱۴). خطاب‌النَّفْس شکل اصلی تجرید یا خوددیگرانگاری در زبان فارسی است و به همین سبب، بعضی «تجرید» را در بدیع فارسی مترادف آن یافته‌اند (ر.ک؛ همایی، ۱۳۷۰: ۲۹۸ و فشارکی، ۱۳۷۶: ۱۲۴). اما رباعیات افضل و دیگران شامل تجریدهای خلاقانه‌تر و غیرقالبی است که خطاب‌النَّفْس نیستند (ر.ک؛ افضل، ۱۳۵۱: رباعی‌های ۶۱، ۶۲، ۱۰۸، ۳۸۷ و...) که ذکر بعضی از آن‌ها در همین مقاله خواهد آمد. در رباعیات افضل، ۳۹ مورد خطاب‌النَّفْس دیده می‌شود که در همگی ندا نیز صورت گرفته‌است. از این میان،

Archive of SID

www.SID.ir

افضل شش بار تخلص خویش را منادا قرار داده‌است (ر.ک؛ رباعی‌های ۴۵، ۴۶، ۱۹۸، ۴۸۹، ۴۹۰ و ۲۶۵)، دو بار «نَفْس» (ر.ک؛ رباعی‌های ۵۹ و ۵۶۵)، دو بار «دیده» (ر.ک؛ رباعی‌های ۴۵۵ و ۶۳۶)، یک بار «تن» (ر.ک؛ رباعی ۱۶) و ۳۲ بار «دل» (ر.ک؛ رباعی‌های ۲۱، ۲۲، ۶۱، ۳۳۰، ۳۵۶، ۳۶۲ و...)، که البته علی‌رغم این تنوع، هیچ یک از این خطاب‌ها در سنت ادبی ما بی‌سابقه نیست. خاقانی، ظهیر و جامی هر یک به ترتیب ۲۸، ۱ و ۱۳ بار از خطاب‌النَّفْس در رباعی‌های خود سود جسته‌اند.

ـ ندای همراه با تشخیص

تشخیص «بخشیدن خصایص انسانی است به چیزی که انسان نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۵۰) و نوعی از استعارهٔ مکنیه است. افضل، خاقانی و ظهیر هر یک شش بار غیرانسان‌ها را مخاطب قرار داده‌اند و جامی تنها یک بار چنین کرده‌است.[۱]

۴ـ۲. امر و نهی

در رباعیات افضل، بیشترین نسبت امر و نهی‌ها خطاب به نَفْس شاعر و آنگاه خواننده است. باید توجه کرد که وقتی قرار باشد دیگران هم از مضمون خطاب‌النَّفْس باخبر شوند، از حالت حدیث نَفْس خارج می‌شود و کاربرد تعریض به دیگران را نیز پیدا می‌کند؛ چنان‌که اگر کسی خویش را در مجلس موعظه خطاب کند و مورد امر و نهی قرار دهد، به احتمال قوی، هدف وی، علاوه بر تذکر مسائل به نَفْس خویش، تذکر به شنوندگان وعظ و خطابه نیز می‌باشد و یا هدفش فقط دیگران است (به در می‌گوید تا دیوار بشنود)، نه اینکه شنوندگانش را فراموش کرده باشد و خود را در خلوت ببیند. مسلماً وقتی که امر و نهی مستقیماً به شنوندگان و خوانندگان بیان نشود، مقاومت کمتری را در آن‌ها برمی‌انگیزد و بیشتر پذیرفته می‌شود. جملات خبری نیز می‌توانند برای تذکار و تعلیم خوانندگان همراه با خطاب‌النَّفْس بیایند؛ همان گونه که در خطاب به خدا، معمولاً اوصاف او بیان می‌شوند تا این اوصاف به گونه‌ای غیرمستقیم و هنری به خوانندگان تلقین شود[۲].

اما به نظر می‌رسد افزونی امر و نهی در خطاب به خواننده به سبب دید سنتی شاعر باشد که باعث می‌شود اکثر مخاطبان را فروتر از خود بپندارد و خود را بر منبر وعظ و خطاب ببیند. در مقابل، به پیامبر هرگز امر یا نهی نشده‌است (شاید به سبب احترام)، و معشوق و ممدوح نیز کمتر امر و نهی شده‌اند؛ چراکه هرچه از دوست رسد، نیکوست و شاعر میان ممدوح و شاگردان خویش که شعرش را می‌خواندند، فرق نهاده و دانسته‌است که امر و نهی به وی چندان کارگر نیست. در رباعیات افضل، ۳۰۰ امر و ۱۵۹ نهی دیده

Archive of SID

www.SID.ir

می‌شود؛ یعنی امرها تقریباً دو برابر نهی‌هاست. این مسئله می‌تواند بدین سبب باشد که وقتی به نیکی و معروفی امر شود، عقل و وجدان مخاطب حُسن و قبح عقلی آن را می‌سنجد و خوب بودن آن را به آسانی می‌پذیرد، اما وقتی کسی از منکری که در او هست، نهی شود، حبّ نَفْس فطری مقاومت وی را برمی‌انگیزد؛ زیرا احساس می‌کند شخصیت و عزّت نَفْس او تهدید شده‌است. بنابراین، امر به خوبی‌ها بهتر از نهی از بدی‌ها نتیجه می‌دهد و به جای نهی از هر بدی، بهتر است به خوبی ضدّ آن امر شود.

۴ـ۳. قسم دادن

قسم دادن روشی است برای تأکید امر و نهی و در زمان استیصال و هنگامی که جایگاه مخاطب از متکلم بالاتر باشد، از آن استفاده می‌شود و تاکنون در کتاب‌های علم معانی، از پرداختن بدان غفلت شده‌است. افضل از این روش سه بار و تنها در خطاب به خداوند بهره برده‌است: دو بار برای تأکید امر که عبارتند از: «به حق خُلق خوش پیغمبر» و «به حق سخا و جود حیدر» (هر دو در رباعی ۳۳۹) و یک بار برای تأکید نهی: «به عزّت لوح و قلم» (رباعی ۴۰۷). به نظر می‌رسد وی در یادکرد چنین قسم‌هایی متأثر از ادعیه و مأثورات اسلامی، به‌ویژه ادعیهٔ شیعه باشد. چون این تعداد قسم دادن در شعر افضل به نظر کم می‌آمد، این عنصر در رباعی‌های دیگر گویندگان مورد بررسی نیز جستجو شد. تنها در یکی از رباعی‌های جامی (شمارهٔ ۳۲۲)، عبارت «به حق من» دیده می‌شود که البته بسیار خلاقانه‌تر از قسم‌هایی است که افضل یاد کرده‌است.

۴ـ۴. دعا

جمعاً ۱۱ بار استفاده از جملات دعایی را در رباعیات افضل می‌توان دید. ۶ دعا را در ۲ رباعی (رباعی‌های ۳۲۱ و ۳۲۲) از دیوان افضل می‌بینیم که همه به سیاق دعاهای پایان قصاید، ستایشی است. این دو رباعی تنها در چاپ فیضی و همکارانش آمده‌است، اما رباعی‌های مدحی دیگری را از وی در چاپ نفیسی نیز می‌بینیم؛ مثلاً رباعی خطابی ۱۸۴ که آمیخته به حکمت است (ر.ک؛ افضل، ۱۳۱۱: ۱۱۸) و رباعی خطابی ۲۲۸ (ر.ک؛ افضل، ۱۳۱۱: ۱۲۷). یک دعا را نیز از قول جان شاعر در خطاب به خود وی می‌بینیم: «جان گفته مرا که: أَنْعَمَ اللهُ مَسَاک!» (رباعی ۳۸۷). این نمونه از نمونه‌های هنری و غیرقالبی تجرید است. چهار مرتبه نیز جملهٔ دعایی با غرض توبیخ و نکوهش به‌کار رفته‌است: دو بار در خطاب به خواننده: «شرمت بادا اگر چنین خواهی کرد// ننگت بادا اگر چنین خواهی مُرد»

Archive of SID

www.SID.ir

(رباعی ۲۶۴) و دو بار در خطاب‌النَّفْس و با عبارت «شرمت بادا» (ر.ک؛ رباعی‌های ۴۹۰ و ۵۵۲).

۴ـ۵. خبر

می‌توان جملات خبری خطابی افضل را به سه دستهٔ زیر تقسیم کرد:

الف) خبر مستقیم از مخاطب

جمله‌ای خبری است که نهاد آن ضمیر مخاطب است؛ مانند «هستی تو سزای این و صد چندین رنج» (رباعی ۱۶۰). موضوع اصلی این نوع خبر، مخاطب است و ۲۶۷ خبر از این نوع در رباعیات افضل دیده می‌شود.

ب) خبر (مستقیم) از مضافات مخاطب

جمله‌ای است خبری که ضمیر ملکی مخاطب مضافٌ‌إلیه نهاد آن است (و با فعل غایب می‌آید)؛ مانند: «اندوه تو دلشاد کند هر جان را» (رباعی ۱). نهاد این نوع خبر می‌تواند از اعضا، لوازم و متعلقات حسی (چشم، بار، پسر، بانگ و...) یا عقلی (عقل، اندوه، مهر، جان و...) مخاطب باشد. موضوع اصلی این نوع خبر را نیز می‌توان، برخلاف ظاهرش، خود مخاطب دانست. این گونه خبر دادن از مخاطب، خلاقانه‌تر و هنری‌تر از نوع اول است و ۵۷ خبر از این نوع را در رباعیات افضل می‌بینیم.

ج) خبر غیرمستقیم از مخاطب

جمله‌ای خبری است که نهاد آن کسی یا چیزی جز مخاطب باشد (متکلم یا غایب باشد و مخاطب مضافٌ‌إلیه آن نباشد) و ضمیر مخاطب در آن جزء یکی از گروه‌های مفعولی، متمّمی، وصفی یا قیدی باشد؛ یعنی ضمیر مخاطب در جمله حضور دارد، اما جزء گروه اسمی نهاد نیست؛ مانند «حق با تو به هر زبان سخن می‌گوید» (رباعی ۵۴۴). بدیهی است که معمولاً مخاطب، موضوع اصلی این گونه خبرها نیست، بلکه خبر به مخاطب نیز مربوط است. اما نمونه‌هایی نیز دیده می‌شود که در آن‌ها فایدهٔ اصلی خبر به مخاطب برمی‌گردد؛ مثلاً «از نقش خیال در دلت بتکده‌ای است» یا «ایزد به دو گیتی چو تو یک بُت نسرشت» (به ترتیب: رباعی‌های ۱۵ و ۱۰۷) که غرض زیباشناسی هر دو خبر متوجه مخاطب و مقصود آن‌ها، به ترتیب نکوهش و ستایش وی است. در رباعیات افضل، ۲۱۰ خبر غیرمستقیم از مخاطب هست. نکتهٔ جالب دربارهٔ این خبرها در رباعی‌های افضل، این است که در هنگام خطاب به خدا و معشوق، موضوع اصلی بیش از نیمی از موارد، خودِ شاعر و حالات وی است و جنبهٔ شخصی بودن را در آن‌ها بیشتر می‌بینیم؛ مثلاً «گر با

Archive of SID

www.SID.ir

توأم، از تو جان دهم آدم را»، یا «مقصود من از هر دو جهان وصل تو بود» (رباعی‌های ۱۸ و ۴۷۹). با توجه به سه گونهٔ بالا، بدیهی است که خبر غیرمستقیم از مضافات مخاطب نیز وجود داشته باشد؛ مانند «در کنه جمالت نرسد هیچ کسی» یا «من عشق تو را به کف نهم، پیش آرم» (به ترتیب: رباعی‌های ۳۱۱ و ۶۵۵). در بررسی حاضر، آمار مربوط به گونهٔ اخیر در آمار خبر غیرمستقیم از مخاطب ادغام شده‌است و جدا از آن مطرح نمی‌شود؛ زیرا در سروده‌های افضل، بسامد شایستهٔ توجهی ندارد و این نوع خبر نیز زیرمجموعهٔ خبر غیرمستقیم از مخاطب است (مانند خبر مستقیم از مضافات مخاطب که زیرمجموعهٔ خبر مستقیم از مخاطب، و از آن هنری‌تر است). این چهار گونه یادکرد (یادکرد مستقیم و غیرمستقیم از مخاطب و مضافات آن) در میان مثال‌های دعا، استفهام و ندا را به وسیلهٔ کنایه از موصوف نیز می‌توان مشاهده کرد که برای جلوگیری از پیچیدگی بیشتر مقالهٔ حاضر، بدان‌ها نمی‌پردازیم.

۴ـ۶. استفهام

در رباعیات خطابی افضل، ۱۳۹ مورد استفهام و سؤال می‌بینیم که شاعر در بعضی واقعاً مسئلهٔ مجهولی را مطرح می‌کند؛ مثلاً «آن کس که منش پیرهنم، گویی کیست؟» یا «آخر به کجایی و کجایی که نه‌ای؟» (به ترتیب: رباعی‌های ۱۴۳ و ۵۵۸). اما در بیشتر موارد، اغراض ادبی و زیباشناسانهٔ استفهام مدّ نظر است؛ مانند: «بِه زان چه بُوَد کز تو دلی شاد شود؟» یا «جامه چه کنی کبود و رنگین و سیاه؟» (به ترتیب: رباعی‌های ۱۷۶ و ۵۲۱) که مقصود از آن‌ها، به ترتیب، انکار و نکوهش است.

۵. بررسی آماری خطاب‌ها (و مخاطب‌ها و اشکال و اغراض آن‌ها)

جدول زیر بسته به مخاطب‌های گوناگون، انواع مفاهیمی که خطاب به هر مخاطب بازگو شده‌است، اشکال مختلف خطاب نسبت به هر مخاطب و اغراض زیباشناسانهٔ آن‌ها را نشان می‌دهد:

Archive of SID

www.SID.ir

مخاطب	خواننده	خدا	نفس شاعر	معشوق	پیامبر	ممدوح	غیر انسان	دیگران	جمع
تعداد رباعی خطابی	۲۵۰	۷۵	۳۹	۳۸	۸	۶	۶	۱۶	۴۳۹
نوع ادبی و موضوع رباعی	۱۷۴ حکمی ۶۹ عرفانی ۴ اجتماعی ۳ فلسفی	همگی عرفانی	۳۰ حکمی ۴عرفانی ۳ عاشقانه ۲ وصف حال	۳۶ عاشقانه ۲ حکمی همگی مدحی	همگی مدحی	۴ مدحی ۲ حکمی	۵ نکوهش (هجو) زمانه ۱ وصف حال	۴ نکوهش ۴حکمی ۴ عرفانی ۲ فلسفی ۱ مدح ۱مرثیه	۲۱۲ حکمی ۱۵۲عرفانی ۳۹ عاشقانه ۴ اعتقادی ۳ وصف حال ۴نکوهش
ندای مستقیم	-	۱۷	۴۴	-	-	-	۸	-	۶۷
ذکر کنایی منادا	۱۸جمع ۶ نکوهش ۱ ستایش ۱تشویق	۲۹ همگی ستایش	۱۳ ۱۰ ستایش	۱۳ ۱۰ ستایش	۱۱ همگی ستایش	۱ مدح	۱ نکوهش	۴	۸۳
ندای استعاری	۲ نکوهش	۱ ستایش	-	-	-	-	-	-	۳
امر	۲۱۰	۲۳ همگی دعا	۳۸	۸ ۵ تغییر	-	۲	-	۹	۲۹۰
نهی	۱۲۴	۴همگی دعا	۲۶	۳	-	۱	-	۱	۱۵۹
قسم دادن	-	۳تاکید	-	-	-	-	-	-	۳
دعا	۲ نکوهش	-	۲ نکوهش	-	-	۶	-	-	۱۰
خبر مستقیم	۱۳۳ جمع ۱۶ تحریض ۱ نکوهش	۵۴ اکثراً ستایش	۳۲ ۱۳ نکوهش ۱ تحریض	۲۱ ۲ ستایش ۲ نکوهش	۳ همگی ستایش	۲ هر دو ستایش	۱۱ ۸ نکوهش	۷ ۵ نکوهش ۱ ستایش	۲۶۳
خبر از لوازم	۲۵ جمع ۲نکوهش	۱۸ اکثرا ستایش	۲	۶	-	-	-	۲ ۱ نکوهش	۵۳
خبر غیر مستقیم	۶۵ جمع ۳ تحریض	۶۹ اکثراً ستایش	۳	۵۳	۷ همگی ستایش	۱ ستایش	۱ نکوهش	۳	۲۰۲
استفهام	۶۴ جمع ۲۲ نکوهش ۱۲ انکار	۲۶اکثراً ستایش ۸ انکار	۲۴ ۱۳ نکوهش ۴ نفی ۱ اظهار تعجب	۳	-	-	۶ ۵ نکوهش	۱۱ ۸ نکوهش ۱ انکار	۱۳۴

جدول ۱: خطاب دیگران از سوی شاعر

توجه به این نکات بر فایدهٔ جدول بالا می‌افزاید:

۱. منظور از «خواننده» مخاطبانی است که در متن رباعی هیچ علامتی از کیستی آن‌ها به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد مخاطب این اشعار تمام خوانندگان آن‌ها باشند. ۵۴/۵ درصد از رباعی‌های افضل از این گروه است و این باعث می‌شود که مخاطبان بیشتری داشته باشد و گاه بتواند برای افراد مختلف و در موقعیت‌های گوناگون، کاربردهای متفاوت بیابد و تأویل‌های متفاوت بپذیرد.

۲. منظور از «دیگران»، صوفی (ر.ک؛ رباعی‌های ۲، ۵۳، ۲۸۴، ۳۶۰، ۵۵۷ و ۵۶۷)، فلسفی (ر.ک؛ رباعی ۵۶۰)، مخالف (ر.ک؛ رباعی ۳)، ناطق (ر.ک؛ رباعی ۵۶۳)، راهنما (ر.ک؛ رباعی ۲۲۳)، صاحب مسئله (ر.ک؛ رباعی ۷)، صاحب مُلک و جاه و اسباب و درم (ر.ک؛ رباعی ۴۰۸)، صاحب دولت (ر.ک؛ رباعی ۵۱۵)، تازه‌جوان (ر.ک؛ رباعی ۴۵۰)، فرزند درگذشتهٔ شاعر (ر.ک؛

Archive of SID

www.SID.ir

رباعی ۳۶۷) و دوستان و هم‌بحثان وی (ر.ک؛ رباعی‌های ۲۰ و ۸۰) هستند. بنابراین، علاوه بر عموم خوانندگان، افضل برای ۱۸ شخص و دستهٔ خاص رباعی سروده‌است. این تنوع مخاطب نیز از ویژگی‌هایی است که بر ارزش رباعی‌های وی می‌افزاید و کمتر دیوان و دفتر رباعیاتی هست که از آن برخوردار باشد.

۳. مفاهیم رباعی‌هایی که در خطاب به هر مخاطبی سروده شده‌است و تعداد آن‌ها نوشته شده‌است تا دقیقاً مشخص گردد که شاعر از خطاب به هر مخاطب و نیز کلاً خطاب برای بیان کدام مسائل و دربارهٔ هر یک به چه میزان بهره برده‌است. با بررسی دقیق و استقرای تام، متوجه مسائل جالبی می‌شویم که با تفکر و تعقل محض نمی‌توان به آن‌ها پی برد؛ مثلاً وجود دو رباعی حِکمی در خطاب به معشوق (ر.ک؛ رباعی‌های ۲۰۵ و ۲۴۶) و دو رباعی حِکمی دیگر در خطاب به ممدوح (ر.ک؛ رباعی‌های ۱۸۴ و ۶۸۴).

۴. همهٔ اشکال خطاب می‌تواند اغراض و مقاصد ادبی و زیباشناسانه داشته باشد و این اغراض در زیر تعداد هر عنصر ذکر شده‌است. اما برای مثال، اگر از ۱۳۳ خبر مستقیمی که در خطاب به مخاطب آمده‌است، تنها ۳۱ مورد دارندهٔ اغراض ادبی دانسته شده‌است، این بدان معناست که از این ۳۱ مورد، اغراضی غیر از خبررسانی که مقصود اصلی نوشته‌های غیرادبی است نیز مدّ نظر بوده‌است و سایر موارد، همچون نوشته‌های غیرادبی، فاقد اغراض ادبی بوده‌اند. با وجود این، باید رباعیات افضل را از حیث بهره‌گیری از برخی ظرفیت‌های مورد توجه علم معانی و اغراض ادبی ساخت‌های دستوری مختلف غنی دانست.

نکتهٔ دیگر اینکه علم معانی تاکنون به اغراض کنایه از موصوف نپرداخته‌است. حال آنکه هر کنایه از موصوفی در باطن خود حاوی یک یا چند خبر است که می‌تواند مقصودی ادبی داشته باشد؛ برای مثال، اگر به نداهایی که به صورت کنایه از موصوف و خطاب به خواننده است، نگاهی بیندازیم[۳]، تقریباً همیشه با غرض نکوهش همراه است و بعضی به‌روشنی تأثیر بهره‌گیری از کنایه را در خلاقانه ساختن کلام نشان می‌دهند. همچنین، «ای بخرد!» و «ای آنکه خلاصهٔ چهار ارکانی!» (به ترتیب: رباعی‌های ۲۹۰ و ۵۴۱) ستایش‌آمیز هستند و غرض از خطابِ «ای اصل وجود تو زِ یک ذره منی!»، تحقیر مخاطب است. می‌توان خطاب «ای دوست!» (ر.ک؛ رباعی‌های ۶۹، ۲۳۰ و ۳۷۱) را نیز با تحبیب، «ای خواجه!» (ر.ک؛ رباعی‌های ۵۲، ۱۱۸ و ۵۶۱) و «خواجه!» (ر.ک؛ رباعی ۶۱۸) را با تعظیم و بزرگداشت همراه دانست. اما نداهایی که خواهد آمد، هرچند همگی با ادامهٔ کلام مناسبتی

Archive of SID

www.SID.ir

تمام دارند، فاقد غرضی ادبی هستند: «ای بنده» (ر.ک؛ رباعی‌های ۵۰ و ۵۱)، «ای از همه آزرده!»، «ای در خم چوگان قضا همچون گو»، «ای در طلب گره‌گشایی مرده! // با دوست نشسته، در جدایی مرده! ** ای بر لب بحر تشنه بر [/در] خاک شده!// وی بر سر گنج از [/در] گدایی مرده!» (ر.ک؛ به ترتیب، رباعی‌های ۳۹، ۴۹۳ و ۵۰۸). باید از ۲ خبر مستقیمی که نکوهش معشوق را در بر دارد نیز یاد شود: «خرّم شده‌ای که مرغ اندر تله شد// آگاه نه‌ای که گرگ اندر گله شد» (رباعی ۲۰۵). همچنین، ۳ خبر مستقیم تمسخرآمیز در خطاب به معشوق: «جانا! بر نور شمع دود آوردی...» (رباعی ۵۸۳).

۶. نگاهی به خطاب‌های دیگران (و اشکال و اغراض و آمار آن‌ها)

خطاب‌هایی را که افضل از زبان دیگران ساخته و پرداخته است و مسلماً ارزش هنری بیشتری دارند، می‌توان به چهار دستهٔ زیر تقسیم کرد: الف – رباعی‌های خطابی که از زبان خداوند و خطاب به همهٔ خوانندگان ناشناس و انسان‌ها سروده شده‌است. ب–آنجا که سخنی از زبان دیگران و خطاب به خواننده نقل می‌شود. ج–آنجا که سخنی از قول دیگران خطاب به خود شاعر بازگو می‌شود. د– فابل‌های کوتاه؛ یعنی رباعی‌هایی که در آن‌ها دو غیرانسان یکدیگر را مخاطب قرار می‌دهند.

تعداد رباعی خطابی	نوع ادبی و موضوع	ندا	امر	نهی	خبر			استفهام
		ذکر کنایی منادا			اصلی	از لوازم	فرعی	
	۲ حِکمی ۱ عرفانی		۲	ـ	۱	ـ	۱	۱ اظهار تعجب

جدول ۲: خطاب به خواننده از زبان دیگران

رباعی‌های شمارهٔ ۴، ۸، ۲۱۳، ۲۳۲، ۳۰۹، ۳۷۴ و ۳۸۱ از زبان خداوند سروده شده‌است.

تعداد رباعی خطابی	نوع ادبی و موضوع	ندا	امر	نهی	دعا	خبر			استفهام
						اصلی	از لوازم	فرعی	
۹	۴ حِکمی ۳ عرفانی ۱ عاشقانه ۱ اعتقادی	۳ ستایش	۸	ـ	۱	۱	۱	۳	۲

جدول ۳: رباعی خطابی از زبان خداوند (خطاب به خواننده)

Archive of SID

www.SID.ir

در اثنای این رباعی‌ها، «آن عقل که در ره سعادت پوید»، «مرگ» (هر دو با تشخیص همراه است) و «حق» (خدا) با خواننده سخن گفته‌اند (به ترتیب: رباعی‌های ۱۷۴، ۳۹۱ و ۵۴۴).

تعداد رباعی خطابی	نوع ادبی و موضوع	ندا	امر	نهی	خبر			استفهام
		همه ذکر کنایی منادا			اصلی	از لوازم	فرعی	
۷	۴ عرفانی ۳ حِکمی	۳ ستایش	۸	-	۲ ۱ نکوهش	۳ ۲ ستایش	۳	-

جدول ۴: خطاب به شاعر از زبان دیگران

در این رباعی‌ها، شاعر از زبان مردم ناشناس («گویند»)، «یار»، معشوق روحانی («گفتا: غلطی! زِ ما نشان نتوان یافت...»)، خواننده («گفتی»)، «جان» خویش (که با تجرید همراه است)، سروش («نیم‌شبی زِ گوشه‌ای بانگ آمد»)، معشوق («گفتی که: تو را شَوَم، مدار اندیشه!»)، «محمود غنی» و خدا («گویی که: تو را عذاب خواهم فرمود») (ر.ک؛ رباعی‌های ۳۹، ۶۵، ۱۳۱، ۱۳۲، ۳۸۷، ۵۰۲، ۵۲۸، ۵۹۲ و ۶۹۵) خود را مخاطب ساخته‌است.

دو نمونهٔ زیبای فابل نیز که به سبب شخصیت بخشیدن به غیرانسان‌ها شاعرانه است، در میان رباعیات منسوب به افضل به چشم می‌خورد که یکی عرفانی است و خطاب بُت به بُت‌پرست، و دادن درس خداشناسی از زبان بُت در آن، متناقض‌نمایی جالبی ایجاد کرده‌است (ر.ک؛ رباعی ۱۰)، و دیگری حِکمی است و در بر دارندهٔ پرسش و پاسخ گل و بلبل (ر.ک؛ رباعی ۱۳۳). این دو فابل جمعاً حاوی یک ندا (با کنایه از موصوف)، یک خبر غیرمستقیم و دو استفهام هستند.

سه گویندهٔ بزرگ دیگر نه از زبان خداوند یا جز او رباعی سروده‌اند، نه از زبان دیگران با خواننده سخن گفته‌اند و نه غیرانسان‌ها را به مخاطبه با یکدیگر واداشته‌اند. خاقانی تنها سه بار و از سوی مردم ناشناس («گویند»)، معشوق («پیش شِکَر از پرِّ مگس ساخت سپر// گفت: اَر مگسی، برنشینی به شِکَر!»)، خواننده («گفتی») و «دل» خویش (که تجرید از خود سراینده است) مخاطب قرار گرفته‌است (ر.ک؛ خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۰۶، ۷۲۱، ۷۲۴ و ۷۲۹). ظهیرالدّین فاریابی ۴ بار و از زبان «دل»، «خِرَد و دل» (که هر دو با تجرید همراه است)، «گل» (که آرایهٔ تشخیص دارد) و خواننده («گفتی») خویش را مخاطب ساخته‌است (ر.ک؛ رباعی‌های ۱۶، ۲۵، ۷۰ و ۷۷). عبدالرّحمان جامی نیز همچون افضل در خطاب خویش از زبان

Archive of SID

www.SID.ir

دیگران اهتمامی داشته‌است و در ۱۳ رباعی، جمعاً ۱۶ بار و از زبان معشوق («آن بُت حورنژاد»، «آن دلبر خونین‌جگران»، «معشوقه»، «آن قرّهٔ عین»، «وی گفت که: ای عاشق شیدا! تا تو // یکتا شدی از دویی، یکی‌اَم با تو// ... گفتا: تو» و «گفتم: ماهی! گفت: که را می‌گویی؟...// ...گفت: چرا می‌گویی؟/ ...گفت: چه‌ها می‌گویی!») (ر.ک؛ رباعی‌های ۱۶۱، ۴۹۰، ۵۲۹، ۵۴۹، ۵۵۶ و ۶۹۴)، معشوق- مخاطب («گله می‌کنی که: رفتی زِ بَرَم»، «گردون» که همراه با تشخیص است، «پیر مغان» (ر.ک؛ به ترتیب، رباعی‌های ۴۲۵، ۳۱۴ و ۶۶۷) و افراد ناشناس (ر.ک؛ رباعی‌های ۳۶۷، ۴۵۲، ۴۷۵ و ۵۱۹) بدین امر پرداخته‌است.

سه نوع اخیر خطاب، نقل‌قول‌هایی داستانی بودند. شاعر با جملات «با دل گفتم» که داستانی تجریدی است (ر.ک؛ رباعی‌های ۶۱، ۵۱۶ و ۵۶۸) و «با یار بگفتم به زبانی که مراست» (ر.ک؛ رباعی ۶۵) نیز از خویش نقل قول می‌کند و حالتی داستانی به سخن خویش می‌بخشد. خاقانی، ظهیر و جامی نیز هر یک، به ترتیب ۶ و ۴ بار از نقل داستانی خطاب‌های خویش در زیباتر ساختن رباعی سود برده‌اند (ر.ک؛ خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۲۷ و ۷۳۶؛ ظهیر، ۱۳۸۱: رباعی ۴۵ و جامی، ۱۳۶۹: رباعی ۲۴۰، ۴۹۶، ۵۰۸ و ۵۸۵).

۷. التفات

«التفات انتقال است از یکی از طرق ثلاثهٔ کلام (تکلم، خطاب و غیبت) به سوی دیگر، برخلاف انتظار سامع» (گرکانی، ۱۳۷۷: ۸۱). اما در مقالهٔ حاضر، تنها التفات‌هایی مورد توجه است که از متکلم یا غایب به مخاطب انجام شده باشد. وحیدیان کامیار التفات، به‌ویژه از سوم‌شخص به دوم‌شخص را سبب آشنایی‌زدایی، ایجاد برجستگی و از بین بردن یکنواختی و در نتیجه، جلب توجه خواننده می‌داند (ر.ک؛ وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۱۰ــ۱۱۱). همچنین، گفته شد که جلب توجه خواننده برای افضل و همانندانش چه اهمیتی داشته‌است. برخی دیگر نیز همچون شمس قیس رازی از التفات، یکی از صورت‌های هنری اطناب را اراده کرده‌اند که در این نوشته مورد نظر نیست (ر.ک؛ قیس رازی، ۱۳۶۰: ۳۸۰). در رباعیات افضل، خاقانی، ظهیر و جامی، به ترتیب، این آرایه ۳۱، ۱۵، ۳۶ و ۲ بار خودنمایی می‌کند و به شعر تحرک و تنوع دستوری می‌بخشد (ر.ک؛ افضل، ۱۳۵۱: رباعی ۴۰، ۴۹، ۶۷، ۸۴، ۹۸، ۱۱۵ و...؛ خاقانی شروانی، ۱۳۸۲: ۷۰۷، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۴ و...؛ فاریابی، ۱۳۸۱: رباعی ۳۳ و ۴۴ و جامی، ۱۳۶۹: رباعی ۸، ۳۹، ۸۵، ۸۶، ۱۰۴، ۱۱۴و...).

۸. نتیجه

با توجه به فواید قالب رباعی و اسلوب خطاب برای شاعری چون افضل‌الدّین مرقی کاشانی، افضل با آگاهی کامل و به تبعیت از نوع سخنان خویش، به بیشترین میزان

Archive of SID

www.SID.ir

ممکن و به بهترین نحو از بیشتر امکانات متنوعی که اسلوب خطاب در اختیارش می‌گذاشت، در سرودن رباعیات و بیان اغراض خویش سود برده‌است؛ چنان‌که در مقایسه با شاعران بزرگی همچون خاقانی، ظهیرالدّین فاریابی و جامی آشکار گشت که افضل معمولاً در هنری‌ترین جنبه‌های خطاب با آن‌ها برابری می‌کند و یا حتی در برخی از جنبه‌ها بر آن‌ها برتری کامل دارد. بنابراین، باید چیره‌دستی افضل در بهره‌گیری از اشکال مختلف خطاب را از مهم‌ترین عوامل توفیق وی در جلب توجه شعردوستان ادوار مختلف به رباعیات او و برقراری ارتباط با آن‌ها بدانیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ ر.ک؛ افضل، ۱۳۵۱: رباعی ۳۵۹، ۳۸۵، ۵۴۸، ۵۴۹ و ۵۵۰ (همگی خطاب به چرخ و فلک و شکایت از روزگار) و ۶۸۲ (به شمع)؛ خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۲۰ (به چرخ)، ۷۲۱ (به ماه، چرخ و صبح)، ۷۲۱ (به زلف بُت، شب، ابر و صبح)، ۷۳۷ (به فلک)، ۷۳۷ (به چرخ) و ۷۴۰ (به زلف بُت خود)؛ ظهیر، ۱۳۸۱: رباعی‌های ۸ (به باده)، ۳۹ (به شب و صبح)، ۵۲ و ۷۶ (به باد)، ۹۰ (به شمع) و ۹۱ (به غنچهٔ گل)؛ جامی، ۱۳۶۹: رباعی ۶۷۵ (به عشق). پیداست که تنوع مناداهای شخصیت‌یافته در رباعی‌های خاقانی و ظهیر بیشتر است و خلاقیت بیشتری در این عرصه نشان داده‌اند.

۲ـ امام سجاد(ع) نیز معارف دین را در قالب دعاهای *صحیفهٔ سجادیه* بیان کرده‌اند؛ چه در وصف خبری خود، خدا و شرایط، چه به شکل درخواست. به‌یقین این کار ایشان نیز در ترویج شیوهٔ تبلیغ مؤثر بوده‌است.

۳ـ «ای کرده فریبنده جهانت گستاخ!»، «ای مست فریب بوده!»، «ای خفتهٔ بی‌خبر!»، «ای از تو همیشه کار پندار به برگ!»، «ای عمر عزیز داده بر باد از جهل// وَز بی‌خبری کار اجل داشته سهل!...»، «ای بی‌خبر از بود و زِ نابود روان// غافل زِ زیان و طالب سود و زیان!»، و «ای نیک نکرده هیچ، بدها کرده/ وانگه به خلاص خود تمنا کرده!» (به ترتیب: رباعی ۱۶۳، ۳۲۹، ۳۴۵، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۴۹ و ۵۱۴).

منابع

بهار، محمدتقی. (۱۳۸۱). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*. ج ۳. تهران: زوار.

جامی، عبدالرّحمان. (۱۳۶۹). *رباعیات جامی*. به کوشش محمود مدبری. تهران: پاژنگ.

خاقانی شروانی، بدیل‌بن علی. (۱۳۸۲). *دیوان خاقانی شروانی*. به کوشش ضیاءالدین سجادی. تهران: زوّار.

راستگو، محمد. (۱۳۸۰). *هنر سخن آرایی (فن بدیع)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید شیراز.

زریاب خویی، عباس. (۱۳۷۵). *دانشنامهٔ جهان اسلام*. مدخل «بابا افضل». ج ۱. تهران: دایرةالمعارف اسلامی.

شروانی، جمال خلیل. (۱۳۷۵). *نزهة المجالس: چهارهزار رباعی از سیصد شاعر*. به تصحیح و تحقیق محمدامین ریاحی. تهران: علمی.

Archive of SID

www.SID.ir

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). *صور خیال در شعر فارسی: تحقیق انتقادی در تطور ایماژهای شعر پارسی و سیر نظریهٔ بلاغت در اسلام و ایران*. تهران: آگاه.

ـــــــــــــــــــ . (۱۳۷۰). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.

قیس رازی، محمد. (۱۳۶۰). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. به تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی. با مقابله با شش نسخهٔ خطی قدیمی و تصحیح مجدد محمدتقی مدرس رضوی. تهران: کتابفروشی زوار.

شمیسا، سیروس. (۱۳۶۳). *سیر رباعی در شعر فارسی*. تهران: آشتیانی.

ـــــــــــــــــــ . (۱۳۸۱). *بیان*. تهران: فردوس.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶). *تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی*. تهران: فردوس.

ظهیر فاریابی، طاهربن محمد. (۱۳۸۱). *دیوان ظهیرالدّین فاریابی*. به تصحیح، تحقیق و توضیح امیرحسین یزدگردی و اهتمام اصغر دادبه. تهران: قطره.

فشارکی، محمد. (۱۳۷۶). *نقد بدیع*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

گرکانی، محمدحسین. (۱۳۸۲). *ابدع البدایع: جامع‌ترین کتاب در علم بدیع فارسی*. به اهتمام حسین جعفری. با مقدمهٔ جلیل تجلیل. تبریز: احرار تبریز.

مدرس رضوی، محمدتقی. (۱۳۳۴). *احوال و آثار خواجه نصیرالدّین محمدبن حسن طوسی*. تهران: دانشگاه تهران.

مَرَقی کاشانی، محمدبن حسن. (۱۳۱۱). *رباعیات بابا افضل کاشانی به ضمیمهٔ مختصری در احوال و آثار وی*. به اهتمام سعید نفیسی. تهران، کتابخانهٔ دانشکده.

ـــــــــــــــــــ . (۱۳۳۷). *مصنفات افضل‌الدّین محمد مرقی کاشانی*. به تصحیح و اهتمام مجتبی مینوی و یحیی مهدوی. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.

ـــــــــــــــــــ . (۱۳۵۱). *دیوان حکیم افضل‌الدّین محمد مَرَقی کاشانی (بابا افضل)*. به تصحیح مصطفی فیضی و دیگران. کاشان: ادارهٔ فرهنگ و هنر کاشان.

نجم رازی، عبدالله‌بن محمد. (۱۳۷۳). *مرصاد العباد*. به اهتمام محمدامین ریاحی. تهران: علمی و فرهنگی.

وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۹). *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی*. تهران: دوستان.

همایی، جلال‌الدّین. (۱۳۷۰). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران، هما.

Archive of SID

www.SID.ir